

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسلہ مجلسات برای امامت

فصل اول: روای و کتابت امامان

مصطفی امینی خواہ / سال ۱۴۰۲



سلسله جلسات با موضوع برای امامت
فصل اول: رویاروی ناامان - جلسه دوم

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم المصطفی محمد و آله الطیبین
الطاهرین و لعنة الله علی القوم الظالمین من الآن الی قیام یوم الدین.

با ارزش تر از جان معصوم چه چیزی داریم؟

سؤال اصلی این بود که فاطمه زهرا (سلام الله علیها) جان مطهر و مقدسش را در چه راهی و در چه چیزی فدا کرد؟ این یک سؤال جدی است و امروزه هم محل بحث است.
این سؤال مطرح است که اساساً مگر چیز دیگری در این عالم هست که ارزش داشته باشد معصوم جاننش را برای آن فدا کند؟ اصلاً مگر می شود معصوم جاننش را برای یک چیز دیگری فدا کند؟ چه چیزی از معصوم بالاتر است؟
همه عالم صدقه سر و طفیلی معصوم است، بعد خود معصوم بخواهد خودش را فدای چیزی کند؟

جان دادن یا تن دادن؟

در پاسخ می گوییم که اولاً در اینجا این تعبیر کمی مغالطه آمیز است، به خاطر اینکه معصوم بدنش را فدا می کند، بدن را می دهد. آیت الله جوادی آملی می فرمود: این تعبیر جانباز که بین ما رایج است، اصطلاح درستی نیست چون هرکسی جان خودش را نمی بازد بلکه تن خودش را می بازد.
به جای جانباز، تن باز باید بگوییم. کسی که جان نمی دهد، جان هست. همه تن می دهند، جان را با خود داریم و از این عالم دنیا به آن عالم آخرت می رویم. جان که نابود نمی شود، تن است که از بین می رود. در واقع این فرد تن باز است، الآن تنش را داده است. در ثانی این فرد تن باز هم نیست، جان هم که نداده است، تنش را هم که کامل نداده است بلکه تنش ناقص شده است.



سلسله جلسات با موضوع برای امامت فصل اول: رویاروی نا امامان - جلسه دوم

البته اصطلاح جانباز که به این جانبازهای عزیز می‌گوییم، اصطلاحی که بین خودمان است، درست است ولی این دقت را باید داشت که اساساً جان ما که از بین نمی‌رود. ما جانمان را که تقدیم می‌کنیم یک چیز بالاتر می‌گیریم. این جانمان را که تقدیم خدا می‌کنیم از بین نمی‌رود، ما جانمان را داریم. شهید زنده است. جان نیست که می‌رود بلکه تن می‌رود و نابود می‌شود، قطعه قطعه می‌شود.

الآن حاج قاسم سلیمانی (رضوان‌الله‌علیه) جانش را که از دست نداده است بلکه تنش را از دست داده است. حاج قاسم به حسب ظاهر از دنیا رفته است، ولی زنده هست یا نیست؟ حاج قاسم از ۱۰ سال پیش زنده‌تر هست ولی دیگر تن ندارد. جان دارد و جانش را نباخته است و تنش از بین رفته است.

این جانی هم که می‌گوییم جانِ دنیایی را می‌گوییم یعنی جانی که برای این تن دنیایی بوده است. این یک نکته‌ای است که باید به آن توجه شود.

بر فرض هم که این تن بازی به معنای جان بازی باشد و همان جان را هم واقعاً کسی بخواهد تقدیم بکند، آیا معصوم جانش را در برابر چیزی فدا می‌کند؟

در قرآن چند آیه داریم و در زیاراتمان تعابیری داریم که این‌ها عبارات مهمی است و کمی هم غریب هستند و باید تحلیل شوند، مباحث مهمی در این‌ها هست.

یکی از تعابیری که در زیارت جامعه کبیره داریم این است **وَبَدَّلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ** شما جانتان را بذل کردید. همه اهل بیت جانشان را بذل کردند. این ویژگی همه اهل بیت است. از پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا گرفته تا امام زمان (علیه السلام)، همه این شکلی هستند. خطاب به آن‌ها می‌گوییم: شما جانتان را برای رضای خدا بذل کردید.

بذل، بالاتر از هدیه کردن

تعبیر بذل هم تعبیر عجیب و جالبی است. یک وقتی می‌گوییم که «تقدیم کرد» و یک وقتی می‌گوییم: «بذل کرد». ما فکر می‌کنیم که بذل کردن به معنی بخشیدن و بخشش است؛ اما بذل یک چیزی بیشتر از بخشیدن است.

بذل آن چیزی است که انسان داده است اما ارزشی برای آن قائل نیست. کلمه مبتذل از همین معنا است. اینکه فیلم‌های مبتذل یا حرکات مبتذل می‌گوییم منظورمان فیلم‌های بی‌ارزش و حرکات بی‌ارزش است. بذل هنگامی می‌شود که انسان، هم یک چیزی را بذل می‌کند و هم آن را مبتذل بداند.

۱. زیارت جامعه کبیره.



و بگویند این چیزی که دادم چه ارزشی داشت. وقتی به ائمه می‌گوییم *وَبَدَّلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ*^۲ شما جانتان را که در راه خدا و رضای خدا دادید، احساساتان این نبود که مثلاً چه چیز با ارزشی را در راه رضای خدا تقدیم می‌کنید! این نگاه معصوم است.

در قرآن آیه‌ای داریم که می‌فرماید *وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ*^۳ بعضی از مردم هستند که در راه رضای خدا حاضرند جانانشان را تقدیم کنند و بفروشند. این تعبیر بفروشند هم تعبیر قشنگی است. در این مطلب خیلی نکته وجود دارد.

در آیه دیگر هم خدای متعال فرموده است *إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ* خدا از مؤمنین هم مالشان را و هم جانانشان را خریدار است. خدای متعال خریدار جان مؤمنین است و در عوض آن‌ها به آن‌ها، بهشت می‌دهد.

پس معلوم شد یک چیزی هست که معامله جان با خداست و آن کسانی که فروشنده واقعی در این میدان هستند، اهل بیت‌اند. اهل بیت با خدا معامله کردند، آن‌ها به خدای متعال جان فروختند، آن‌ها برای رضای خدا جانانشان را بذل کردند. این از ویژگی آن‌هاست و همه اهل بیت این ویژگی را دارند. رضای خدا چیست؟ رضای خدا مراتب و مراحل دارد. بله یک کارهای کوچکی هم ممکن است باشد که خدا از آن‌ها راضی است. مثلاً کسی حرف خوب بزند، کسی دل یک بچه کوچک را به دست بیاورد و شاد کند؛ خدا نسبت به این هم راضی است. اینکه اهل بیت جانانشان را در راه رضای خدا تقدیم می‌کنند، چنین چیزی است؟ امام حاضر است جانش را بدهد که یک بچه کوچک بر لبش خنده بیاید؟ آیا منظور این است؟ خیر، این طور نیست بلکه یک چیزی بالاتر از این حرف‌ها است.

غربت قرآن صامت عامل غربت قرآن ناطق

این‌ها نکات قرآنی است. این معارف قرآنی غریب است. اینکه می‌گویند کار فرهنگی انجام دهیم یعنی مفاهیم قرآنی را در جامعه زنده کنیم. این مفاهیم غریب است. این موارد را ما باید یاد بگیریم. در جلسه قبل عرض کردیم که اگر مردم اهل قرآن بودند و قرآن فهم بودند نه فاطمه زهرا کشته می‌شد نه امام حسین کشته می‌شد. آن‌ها اصلاً مظلوم واقع نمی‌شدند و امیرالمؤمنین به غربت نمی‌رفت.

۲. همان.

۳. سوره بقره، آیه ۲۰۷.

۴. سوره توبه، آیه ۱۱۱.



سلسله جلسات با موضوع برای امامت
فصل اول: رویاروی نا امامان - جلسه دوم

غربت امیرالمؤمنین به خاطر غربت قرآن بود، اخذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا.^۵

اگر در جامعه قرآن باشد، امیرالمؤمنین خانه نشین نمی شود. اول قرآن خانه نشین شده است که بعدش امیرالمؤمنین خانه نشین می شود. قرآن که کاغذ نیست، جای قرآن که در کاغذ نیست بلکه در فکر و قلب ماست.

مردم شام هم قرآن می خواندند. از آن روایات بسیار عجیب است - فهمیدن این قضایا خیلی سخت است - مرحوم سید ابن طاووس در لهوف نقل کرده است^۶ که امام سجاد (علیه السلام) فرمود: در شام پیرمردی شروع به توهین این خانواده کرد. من از او پرسیدم یا شیخ! هَلْ قَرَأْتَ الْقُرْآنَ پیرمرد تا حالا قرآن خوانده ای؟ پیرمرد گفت: بله.

حضرت چند آیه قرآن را برای این پیرمرد خواندند. از او پرسیدند:

این الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى^۷ چه کسانی هستند؟ این قَاتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ^۸ چه کسانی هستند؟ این خویشان رسول خدا که هستند؟ این اهل بیت چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند اینها ما هستیم. پیرمرد بلند بلند گریه کرد و عمامه اش را پرت کرد و شروع به استغفار در درگاه الهی کرد که خدایا من یک عمر در اشتباه بودم و به اهل بیت پیامبر توهین می کردم! به یزید خبر رسید این پیرمرد وسط خیابان ایستاده و اول شروع به توهین به اسرا کرده است و سپس این حرکتش به گفتگو با امام سجاد (علیه السلام) منجر شده است و بعد حضرت این آیات را گفتند و منجر به توبه او شده است. یزید گفت سریع گردنش را بزنی که او این حرفها را در جامعه پخش نکند!

این پیرمرد ظرف چند ثانیه به خاطر فهمیدن همین که این آیه درباره اهل بیت (علیهم السلام) است و پای آن ایستاد، شهید پای رکاب آنها شد. این پیرمرد نشان داد مردم شام مشکلشان این بود که قرآن را نمی فهمیدند.

اصلاً مشکل همیشه تاریخ همین بوده است. این کلمات قرآن، استاندارد است. ما با خودمان تحلیل می کنیم نظر من این است! اما نظر من و نظر او ندارد. نظر خدا فقط مهم است **إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ**^۹ حرف بقیه همان قدر که با حرف خدا تطبیق دارد، ارزش دارد. یک عده ای نمی گذارند که حرف خدا شنیده

۵. سوره فرقان، آیه ۳۰.

۶. سید ابن طاووس، لهوف، ص ۱۷۶.

۷. سوره شوری، آیه ۲۳.

۸. سوره روم، آیه ۳۸.

۹. سوره یوسف، آیه ۴۰.



سلسله جلسات با موضوع برای امامت
فصل اول: رویاروی ناامان - جلسه دوم

شود. شیطان نمی‌گذارد قرآن فهمیده شود **فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ**^{۱۰} شیطان می‌گوید از قرآن نگویند.

فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) هم با قرآن با مردم احتجاج کرد. می‌گفت قرآن بخوانید، ببینید قرآن چه گفته است، قرآنی که در دستتان است، ببینید قرآن چه گفته است. از عظمت فاطمه زهرا و مظلومیت ایشان این است که یک کلمه نفرمود آیاتی که در مورد من نازل شده را بخوانید. این همه آیات قرآن در مورد فاطمه زهرا است، سوره کوثر در شأن اوست. ایشان مردم را یک کلمه به این سوره‌ها و آیات ارجاع نداده است. این از عظمت این بانوست. یک کلمه نگفته است فلان آیه درباره کیست. این همه آیه در قرآن داریم که شیعه و سنی گفتند در شأن فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) است.

سوره انسان در شأن کیست؟ آیه تطهیر در شأن کیست؟ سوره قدر در شأن کیست؟ خیلی از سوره‌های قرآن در شأن اوست.

عالم مفسر اهل سنت نوشته است می‌دانید چرا در سوره انسان، خدا نعمت‌های بهشتی را که یادکرده است حرفی از حورالعین نکرده است؟ چون این آیات در شأن فاطمه زهراست، درجایی که فاطمه هست حرفی از حورالعین نمی‌شود.^{۱۱} او حوریه انسیه است. این سوره در شأن فاطمه است.

فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) یک کلمه به مردم نگفت این سوره انسان در مورد کیست؟ اصلاً این سوره انسان برای اینکه کسی بخواهد گفتگویی بکند، جایی نمی‌گذارد. اصلاً چه کسی در اندازه فاطمه زهراست که بخواهد روبروی او بایستد و با او گفتگو کند؟

آیاتی که خدا این طور مهر بهشتی بودن و مافوق مراتب بهشتی بودن این‌ها را تأیید کرده است، فاطمه زهرا اصلاً به این‌ها کاری ندارد. او خودش را که نمی‌خواهد نشان بدهد، می‌خواهد مردم بالا بیایند. او دلسوز مردم است، می‌خواهد این‌ها زنده بشوند، این‌ها روشن بشوند، تاریخ روشن بشود. خودشان را که نمی‌خواهند نمایان بکنند، مسئله بحث خودشان که نیست.

این بانو آن قدر با عظمت است و مظلوم است که وقتی به او می‌گویند شاهد بیاور، می‌رود و شاهد می‌آورد!^{۱۲} شاهد را هم قبول نمی‌کنند، می‌گویند علی که با توست، حسن و حسین هم که بچه‌اند، ام‌ایمن هم که زن است!

۱۰. سوره نحل، آیه ۹۸.

۱۱. و من اللطائف علی القول بنزولها فیهم أنه سبحانه لم يذكر فیها الحورالعین وإنما صرح عزوجل بولدان مغلدين رعاية لحرمة البتول و قره عین الرسول (آلوسی، تفسیر روح المعانی، ج ۱۵، ص ۱۷۴).

۱۲. فَقَالَ هَاتِي عَلَي ذَلِك بِشُهُودٍ فَجَاءَتْ بِأُمَّ أَيْمَن (طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۱).



سلسله جلسات با موضوع برای امامت
فصل اول: رویاروی ناامان - جلسه دوم

پیامبر اکرم به تک تک آن‌ها فرموده بود که بهشتی‌اند. هیچ‌کدام از آن شاهد‌ها را قبول نکردند! حضرت زهرا این‌ها را به قرآن برمی‌گردانند، به کلام رسول خدا برمی‌گردانند، به واضحات دین برمی‌گردانند. بین این‌ها قرآن غریب است.

معصوم فدای رضای خدا

خب این کدام مرتبه از رضایت خداست؟ آن چیست که مورد رضایت خداست تا امام معصوم جانش را فدای آن کند؟ جواب، آن آیه‌ای است که درباره غدیر است **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا**^{۱۳}

خدا فرمود: امروز راضی شدم اسلام برای شما دین بشود. این همه آیه نازل شده است و این جزء آخرین آیاتی است که برای پیامبر نازل شده است و تا رحلت پیامبر ۲ یا ۳ ماه مانده است.

۲۳ سال است که آیه نازل می‌شود، ۲۳ سال است که خدا دستور داده است به جهاد بروید، صلّه ارحام بکنید، به والدین احسان کنید. این همه آیه نازل شده است. خدا می‌فرماید من هنوز از اسلام راضی نشدم! غدیر که می‌آید، امامت علی و ولایت علی که می‌آید، خدا می‌گوید حالا راضی شدم.

خدا می‌فرماید آن صلّه‌رحمی که شما را به علی نرساند، به درد نمی‌خورد. شما می‌دانید باطن و حقیقت همه احکام، ولایت امیرالمؤمنین است. همه این‌ها به اهل بیت (علیهم‌السلام) ربط دارد. در مورد صلّه‌رحم فرمود رحم واقعی پیامبر و امیرالمؤمنین هستند.

اصلاً احکام یک ظاهری و یک باطنی دارد، ظاهرش این مسائل بین ماست و باطنش اهل بیت (علیهم‌السلام) هستند. باطنش پیامبر و امیرالمؤمنین هستند. آن رحم ظاهری هم به خاطر ارتباطش با آن با رحم باطنی ارزش پیدا کرده است.

اینکه گفته‌اند صلّه‌رحم کنید، یعنی به علی و اولاد پیامبر رسیدگی کنید. خدا فرموده است من به صلّه‌رحم بدون علی راضی نیستم، همه این‌هایی که شنیدی را بدون غدیر راضی نیستم.

چرا گفتند با مردم خوب صحبت کنید؟ به خاطر اینکه مردم رعیت علی هستند. با یک نفر باید خوب صحبت کنید و آن هم علی است. شما با علی کاری ندارید و با علی بد صحبت می‌کنید، علی را مظلوم واقع کردید، بعد با بقیه خوب صحبت می‌کنید و فکر می‌کنید به اسلام عمل کردید!

۱۳. سوره مائده، آیه ۳.



سلسله جلسات با موضوع برای امامت فصل اول: رویاروی نا امامان - جلسه دوم

پیامبر فرمود: کسی ۹۰۰ سال با زبان روزه پشت در کعبه بین رکن و مقام سجده کند، ولی در قلبش ولایت علی بن ابی طالب نباشد، خردلی ارزش ندارد.^{۱۴} اگر سجده کنی و در فکرت این باشد که از علی و از حضرت آدم بهتر هستید، ارزشی ندارد.

می دانید که آدم هم نمادی از ولایت امیرالمؤمنین است. امام رضا (علیه السلام) فرمود به خاطر ما بود که بر آدم سجده کردند، چون ما، در صلب آدم بودیم.^{۱۵} آدم به خاطر اینکه واسطه خلقت مادی امیرالمؤمنین است، ارزش پیدا کرد که به او سجده کنند. ملائک به آدم که سجده نکردند، این عکس سیاه و سفید سه در چهار امیرالمؤمنین، در آن قالب به اندازه آدم بود که به آن سجده کردند. صراط مستقیم اوست، خدا آیه ای بزرگ تر از علی ندارد، آیه عظمی خدا امیرالمؤمنین است.

اینکه علی می گوئیم منظورمان یک آدم مثلاً ۸۰ کیلویی نیست؛ بلکه منظورمان حقیقت امیرالمؤمنین، حقیقت بندگی امیرالمؤمنین است، نه اینکه تن امیرالمؤمنین باشد. این حقیقت، هم در امیرالمؤمنین است و هم در امام حسن است. همه اهل بیت یک حقیقت اند.

خدا از اسلام به عنوان دین راضی شد. این همان مرضات الهی است که همه باید جانشان را برای آن فدا کنند. خود معصوم هم به خاطر این بذل جان می کند. برای اسلام، برای ولایت، بذل جان می کند. اینکه معصوم جان مبارکش را فدا می کند یعنی چه؟ یعنی جانش را برای اسلامی که مورد رضایت خداست، می دهد. برای تأیید و تقویت و حاکمیت این اسلام جانش را می دهد.

امام جانش را فدای چه چیزی می کند؟ در زیارت اربعین شما چه می گوئید؟ خطاب به امام حسین (علیه السلام) می گوئیم وَ بَدَلْ مُهْجَتَهُ فِیْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ^{۱۶} تو جانت و خونت را تقدیم کردی، بذل کردی. منظورش از خون، آن خون داخل قلب را می گوید. حضرت آخرین قطره اندرونی قلبش را در راه خدا بذل کرد. می گوید حضرت مهجه خودش را در راه خدا داد، در راه خدا بذل کرد.

۱۴. لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ مِثْلَ مَا قَامَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ، وَكَانَ لَهُ مِثْلُ أُحُدٍ ذَهَبًا فَأَنْفَقَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ مَدَّ فِي عُمْرِهِ حَتَّى يَحْجُجَ أَلْفَ عَامٍ عَلَى قَدَمَيْهِ، ثُمَّ قُتِلَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ مَظْلُومًا، ثُمَّ لَمْ يُوَالِكْ يَا عَلِيُّ، لَمْ يَشْمِ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَلَمْ يَدْخُلْهَا.

(خوارزمی، المناقب، ص ۶۹ و صافی گلپایگانی، پرتوی از فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ص ۷۵، به نقل از

الفردوس، ج ۳ ص ۳۶۴، تنزیه الشریعة، ج ۱، ص ۳۹۸.)

۱۵. إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ آدَمَ فَأَوْدَعَنَا صُلْبَهُ وَ أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ بِالسُّجُودِ لَهُ تَعْظِيمًا لَنَا وَ إِكْرَامًا وَ كَانَ سُجُودُهُمْ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عُبُودِيَّةً وَ لَادَمَ إِكْرَامًا وَ طَاعَةً لِكُونِنَا فِي صُلْبِهِ. (شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶۳)

۱۶. زیارت اربعین. (سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۵۹۰.)



رضایت خدا، تبیین امام از ناامان، اهل از نااهل

مگر قرار نبود معصوم جانش را در راه رضای خدا فدا کند؟ مگر اسلام مورد رضای خدا، اسلام غدیر نبود؟ ولایت اهل بیت و ولایت امیرالمؤمنین نبود؟ الآن امام حسین جانش را در برابر چه چیزی تقدیم کرد؟ جانش را در راه علی فدا کرد. اسلام علی یعنی چه؟ یعنی امام حسین چه کار کرد؟ در زیارت اربعین می‌گوییم خدایا امام حسین در برابر تو جانش را تقدیم کرد تا بنده‌های تو از ضلالت و جهالت دربیایند. می‌دانید یکی از معانی این چیست؟ یعنی دوست را از دشمن بشناسند، ظالم را از عادل بشناسند، اهل را از نااهل بشناسند، امام را از ناامان بشناسند. همین فهمیدن حقیقت آن قدر ارزش دارد که امام حسین خون قلبش را تقدیم کند که مردم بفهمند یزید آدم این داستان نیست. امام حسین جانش را نداد برای اینکه یک امامی حاکم بشود، جانش را نداد برای اینکه یک ناامانی حاکم نشود. جانش را برای اینکه یک نااهلی سر جای ایشان نشسته، نداد، خواست ولو اینکه او را از جایش بلند نکنند ولی رسوا بشود. یزید که با شهادت امام حسین ساقط نشد، به مرگ طبیعی از دنیا رفت. اگر ۴۰ سال دیگر هم عمر می‌کرد حاکمیت داشت. یزید که سقوط نکرد، امام سجاد هم که حاکم نشد، پس چه شد؟ پس چرا در زیارت اربعین می‌گوییم که امام جانش را تقدیم کرد که برای اینکه مردم از جهالت و حیرت و ضلالت دربیایند؟ پس چه شد؟ خون امام حسین هدر رفت؟ کجا مردم بیدار شدند؟ مردم آن قدری بیدار شدند که فهمیدند یزید برای این حرف‌ها نیست. یزید به جای پیغمبر نشسته است، ولی سر جایش نیست. یزید از تخت پایین نیامد ولی همه فهمیدند جای او روی این تخت نیست. این مطلب آن قدر قیمت دارد، همین که معلوم بشود اینکه اینجا نشسته جایش نیست، این که معلوم بشود این ظالم جایش اینجا نیست، آن قدر ارزش دارد که جان امام حسین تقدیم می‌شود.

شهادت غزه فدای شناخت نااهل بودن سازمانهای مدعی

بعضی می‌گویند این همه بچه در غزه شهید می‌شود برای اینکه معلوم بشود که این اسرائیلی‌ها، ظالم هستند. هرچند یک عدد هم زیاد است اما ۱۰ هزار تا بچه که در برابر جان امام حسین ارزشی ندارند. این دادوستد را باید نگاه کرد تا معلوم شود که این ظالم است. امام حسین جانش را تقدیم کرد که معلوم بشود یزید ظالم است. خدا دنیا را در این قضیه غزه تکان داد. مردم شک می‌کنند، همه دنیا شک می‌کنند. مثل اینکه این سازمان ملل سر جای خودش نیست. می‌بینید که چقدر نقاشی درست می‌کنند، کاریکاتور می‌کشند؟ رسانه‌های معتبر دنیا را به سخره گرفته‌اند. این‌ها کار عموم مردم است. دنیا فهمید مثل اینکه رسانه سر جای خودش نیست.



سلسله جلسات با موضوع برای امامت فصل اول: رویاروی ناامان - جلسه دوم

درجایی با نخبه‌ها بر سر اینکه دنیا را چگونه باید اداره کرد، بحثی داشتیم. آن‌ها لیبرال مسلک بودند، غرب‌زده بودند. یک از آن‌ها گفت: رسانه‌های بی‌طرف باید نظارت کنند، افشاگری کنند، حاکمیت مردم صورت بگیرد، خود مردم با نظارت به واسطه رسانه بفهمند اشکال کجاست. پرسیدم مگر رسانه بی‌طرف می‌شود؟ گفتند: بله می‌شود.

ولی الآن و بعد از قضایای غزه، شما اگر کلمه رسانه بی‌طرف را بگویید، همه دنیا به شما می‌خندند! مگر رسانه بی‌طرف داریم؟ مگر می‌شود؟ این همه خون ریخته شد، ارزشش به این است. نمی‌شود بگوییم رسانه بی‌طرف کار را درمی‌آورد، حلش می‌کند. شبکه من و تو گفت چرا فلسطینی‌های حماس این قدر توپ و ترقه درمی‌کنند؟ خب به دادگاه لاهه بروند و شکایت کنند! مردم به این جمله می‌خندند. به چه کسی دقیقاً شکایت کنند؟ سازمان ملل موجودیت اسرائیل را تصویب کرده است و ۱۲۰ کشور امضا و تأیید کرده‌اند!

خاصیت این خون‌ها الآن چیست؟ خاصیت همه این خون‌ها این است که الآن پشمی به کلاه سازمان ملل نمانده است. این‌ها خیلی اتفاق بزرگی است. بنده این حرفی که الآن می‌گویم برای شما سنگین است که بگویم: این همه خون ریخته شد، این همه بچه کشته شد، به ناحق هم کشته شد ولی ارزش داشت که معلوم بشود سازمان ملل اهلیت ندارد!

اگر بگویم: «امام حسین هم اگر بود کشته می‌شد، ارزش داشت.» این جمله برای شما سنگین نیست؟ امام حسین (علیه‌السلام) هم اگر در غزه تکه‌تکه می‌شد که مردم عالم بفهمند که سازمان ملل ارزش این حرف‌ها را ندارد، ارزش داشت. این جمله، خیلی جمله سنگینی است ولی این معنی همین عبارت زیارت اربعین است. فاطمه زهرا کشته شد که بقیه بفهمند این‌ها اهلیت ندارند.

الآن این حرف را کسی نمی‌فهمد! خوب الآن نمی‌فهمند، بعداً که می‌فهمند. یک روزی معلوم می‌شود. این خون بچه‌های غزه فقط الآن نیست، این کار را تمام می‌کند. البته ما هم وظیفه داریم. این دستی که در باطن عالم اجازه داده است که این خون‌ها ریخته بشود، فایده‌ای برای این خون‌ها در نظر گرفته است. فایده‌اش به این است که این خون‌ها بیدار می‌کند، رسوا می‌کند، افشا می‌کند.

این را نمی‌شود تصور کرد که کسی به بیمارستان حمله بکند. جان آدم مریض و سرطانی به دستگاه بسته است. می‌گویند اگر تخلیه نکنید، شما را می‌کشیم. کجای دنیا، در کدام جنگلی چنین چیزی را می‌توان تصور کرد؟ به بیمارستانی‌ها بگویید تخلیه کنند!

شما الآن در بیمارستان‌های تهران راه بیفتید و بگویید: من اینجا احتمال می‌دهم یک گروه تروریستی در زیر اینجا پنهان شده‌اند، اینجا را تخلیه کنید. می‌گوییم: این مریض به کما رفته است ولی می‌گویند که تخلیه کنید!



سلسله جلسات با موضوع برای امامت
فصل اول: رویاروی ناامان - جلسه دوم

می‌گویند: اگر سقف روی سرش آمد، ناراحت نشوید!

بعد بیمار را به خاطر اینکه احتمال می‌دادید کاری کرده باشد کشتید؛ این بچه‌ها در اینجا چه کار کرده‌اند؟ بچه‌هایی که از بیرون به داخل بیمارستان معمدانی آمده‌اند و در اینجا بازی می‌کردند را برای چه کشتید؟

همه دنیا از این قضیه متحیرند! خیلی اتفاق بزرگی است. این‌که عاشورای غزه می‌گویند، درست است. این حرف از جنس شهادت امام حسین (علیه‌السلام) است، بیدار می‌کند، زنده می‌کند، هشیار می‌کند،

دنیا به چه کسی دل بسته است؟ به ناتو؟ آیا ناتو در هر جای عالم که یک گروهی مظلوم واقع شده، برای برقراری عدالت و صلح و آزادی می‌آید؟ ناتو دخالت می‌کند؟ ناتو کیست؟

این همه خودتان را سر قضیه داستان اوکراین و روسیه کشتید، جام جهانی را از روسیه گرفتند، کشور روسیه را از جام جهانی بیرون کردند! می‌گویند تو ظالم هستی! اسرائیل همه فوتبال‌هایش را برگزار می‌کند، همه سفرهایش، همه چیزش سر جایش است، دنیا خنده‌اش می‌گیرد! الآن دقیقاً با چه کسی، سر چه چیزی مشکل دارید؟

الآن دنیا زنده می‌شود، بیدار می‌شود، این خیلی اتفاق بزرگی است. این از جنس شهادت امام حسین (علیه‌السلام) و از جنس شهادت فاطمه زهرا است.

وجوب حفظ نظام، چیستی و چرایی

یک جمله‌ای از حضرت امام (رحمت‌الله‌علیه) معروف است. بنده این را زیاد می‌شنوم و می‌شنیدم، این ایام تازگی دوباره شنیدم.

چند شب پیش حرم حضرت عبدالعظیم دیدم یک جوانی بعد از سخنرانی یک سخنران محترم که از مشاهیر است، شروع کرده بود به ایشان پرخاش کردن و مردم هم دورش ریخته بودند که برای چه آقای خمینی گفته است حفظ نظام از جان امام زمان بالاتر است ولو شده امام زمان هم برایش فدا می‌شود.^{۱۷}

جوان بیچاره و بی‌پناه ما، در این فضای مجازی، بدون اینکه کسی حرف و توضیحی یا دفاعی ارائه کند چه کند؟ خب این با خودش چه فکری کرده است؟ نظام یعنی چه؟ یعنی همین اداراتی که می‌بینیم؟ همین جاهایی که در بعضی از آن‌ها با رشوه و زیرمیزی کارت حل می‌شود؟ حفظ نظام یعنی چه؟ یعنی یک جورایی همین سیستم را نگه داریم، از کنارش هم یکی خورد و دزدی کرد و برد، بالاخره حفظ بشود! این فرد در اصل حفظ نظام که واجب است، مانده است.

۱۷. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۶۵.



سلسله جلسات با موضوع برای امامت فصل اول: رویاروی ناامان - جلسه دوم

آیا حفظ نظام واقعاً واجب است؟ برای چه واجب است؟ چرا از اوجب واجبات است؟ امام زمان را هم برایش فدا می‌کنیم! شما دیگر خیلی شیادید! این جوان چه می‌فهمد؟ می‌گوید: بله دیگر، شما امام زمان را هم فدا می‌کنید تا سیستم را برای خودتان نگه دارید!

او اصلاً نمی‌فهمد که حفظ نظام از اوجب واجبات است^{۱۸} و امام زمان هم جانش را فدا می‌کند یعنی چه؟ یعنی امام زمان برای اینکه معلوم بشود کسی ظالم است، جانش را می‌دهد؛ چه برسد به این که یک وقتی شما ظالم را از تخت قدرت پایین کشیدید، ولی او برای اینکه آن ظالم به تخت برنگردد، قطعاً جانش را می‌دهد.

آن وقتی که ظالم از تخت پایین نمی‌آید و روی تخت قدرت نشسته بود و همه فقط مسخره می‌کردند، امام جانش را تقدیم می‌کند. مگر امام حسین تقدیم نکرد؟ مگر حضرت زهرا تقدیم نکرد؟ مگر این‌ها از تخت پایین آمدند؟ نه. فقط همه فهمیدند که داستان چیست، معلوم شد ظالم چه کسی است.

امام آنجا جانش را فدا می‌کند. اینجا که شما ظالم را از تخت پایین کشیده‌اید، برای اینکه ظالم به قدرت برنگردد، جانش را تقدیم می‌کند. این حفظ نظام که منظورش این نیست که یعنی این اداره‌ها و همه ساختار اداری و سیاسی که داریم را امام هر جور شده، برای همین جانش را فدا می‌کند که مثلاً این قوای نظامی ما همین جوری باشد و بعدش هزار و یک اشکال دارد.

به این سربازی ما هزارتا نقد وارد است. آن کسانی که رفتند، می‌گویند خیلی فضا فاجعه‌آمیز است. بله اشکال قطعاً وارد است و این ساختار سربازی باید اصلاح بشود. باید بنشینند و فکر کنند که دو سال عمر یک جوان هدر نرود. این را بهینه‌سازی کنند، سربازی‌اش فقط در پادگان نباشد. هزارتا کار می‌شود با این سربازی کرد.

خوب حفظ نظام یعنی چه؟ یعنی سربازی همین الآن را می‌خواهیم هر جور شده نگه داریم، ولو شده امام زمان را برایش می‌کشیم؟ آدم چقدر باید نادان باشد که حفظ نظام را این‌طور بفهمد!

۱۸. ... لذا امام حراست و صیانت از جمهوری اسلامی را اوجب واجبات می‌دانست. اوجب واجبات، نه از اوجب واجبات. واجب‌ترین واجب‌ها، صیانت از جمهوری اسلامی است؛ چون صیانت اسلام - به معنای حقیقی کلمه - وابسته‌ی به صیانت از نظام سیاسی اسلامی است. بدون نظام سیاسی، امکان ندارد. (رهبر معظم انقلاب، خطبه‌های نماز جمعه در بیست و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه ۱۴/۰۳/۱۳۸۹) و حفظ نظام و در واقع حفظ ایمان مردم اوجب واجبات است. (رهبر معظم انقلاب، دیدار جمعی از مبلغین و طلاب حوزه‌های علمیه سراسر کشور با رهبر انقلاب، ۱۴۰۲/۰۴/۲۱)



سلسله جلسات با موضوع برای امامت فصل اول: رویاروی ناامان - جلسه دوم

حفظ نظام یعنی ما با همدیگر پرچمی را بلند کردیم و گفتیم که فقط حرف خدا و اهل بیت را گوش می‌دهیم. پرچم دیگری را هم بالا نمی‌بریم، پای نگه‌داشتن این پرچم هم هزینه می‌دهیم. خود امام زمان هم بیاید، پای این پرچم جان می‌دهد. این معنی حفظ نظام است.

البته هزار و یک اشکال هم به همه جا وارد است، به همه جای این سیستم وارد است. همه ما هم می‌دانیم، همه ما هم دیده‌ایم. قاضی خلاف‌کار دیدیم، رشوه‌گیر دیدیم، خلأ قانونی داریم، نماینده مفت‌خور مجلس داریم، سیاستمدار جاسوس داشتیم و داریم، سیاستمدار فاسد داریم، زیاد هم داریم، در سمت‌های بالا داریم، در سمت‌های پایین داریم، معاون قوه قضاییه فلان می‌شود، رئیس‌جمهور فاسد فراری داشتیم، غیر فراری داشتیم که منتظر بودیم فرار کند که فرار نکرد. همه جور داشتیم.

حفظ نظام یعنی چه؟ حفظ نظام یعنی این‌ها خوب‌اند و امام زمان، هم بیاید جانش را فدا می‌کند که این فقط رئیس‌جمهور بشود؟ نه. حفظ نظام یعنی شما گفتید حرف خدا و پیغمبر باشد و پای آن هم ایستاده‌ایم، آرام‌آرام می‌خواهیم اصلاح کنیم که همه جا حرف خدا و پیغمبر شود.

این همتی که دارید، آن قدر ارزش دارد که امام معصوم جانش را هم برایش می‌دهد. تاریخ هم این را نشان داده است. فاطمه زهرا جانش را فدا کرده است.

این همان نکته کلیدی داستان است که نشان می‌دهد این صلاحیت ندارد. نکته مهمی که امشب می‌گویم این است که اهل بیت یک جوری صحنه را ترسیم می‌کردند و زمین بازی را ایجاد می‌کردند که طرف مقابل مجبور می‌شد نهایت آن ظلمی که در ذهن دارد را بروز دهد. این خیلی اتفاق مهمی است. دیشب یک نکته‌ای گفتم و دوباره تکرار می‌کنم و امشب یک مطلبی به آن اضافه می‌کنم. دیشب عرض کردم امام در افق قرآن، حضرت ابراهیم است. **إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا**^{۱۹} چه شد به اینجا رسید؟ حاضر شد در راه خدا سر بچه‌اش را ببرد. امام یعنی این فرد. امام آن است که تا اینجا پای حرف خدا ایستاده است تا این حد از فداکاری را می‌کند. اگر این‌طور نیست، ظالم است. اگر این‌طور نیست اهلیت ندارد، صلاحیت ندارد، امام نیست.

ولی فقیه معصوم یا عادل

البته این را هم بگوییم، باز ممکن است سوءبرداشت شود که خب ولایت فقیه هم که شما می‌گویید مگر این حد از عصمت را دارد؟ مگر نمی‌گویید امام است؟ نه، چه کسی می‌گوید امام است؟ ولی فقیه مگر امام است؟ ولی فقیه یک شخصی است که پشتوانه‌اش تأیید امام است.

۱۹. سوره بقره، آیه ۱۲۴.



سلسله جلسات با موضوع برای امامت فصل اول: رویاروی نا امامان - جلسه دوم

امام ما، امام زمان است. چند نفر نایب داشته است که نایب خاص بودند و بعد که این‌ها دوره‌شان تمام شد، حضرت فرمودند هرکس این ویژگی‌ها را داشت، از طرف من نماینده شما است، حجت من بر شماست.

ما ولایت فقیه را این‌طوری متوجه می‌شویم، ولی فقیه یعنی این، ولی فقیه که امام نیست. ولی فقیه یک آدمی است، علم دارد، عدالت دارد، صلاحیتش به خاطر همین است که می‌داند حرف خدا و پیغمبر چیست. خودش هم پایبند است. معصوم هم نیست، ممکن هست اشتباه کند. ناخواسته ممکن است ظلم هم بکند. این ولی فقیه است، امام نیست. امام، امام زمان است؛ ولی وقتی همتش این باشد، خدا هم کمکش می‌کند، امام زمان، هم کمکش می‌کند. از خیلی از خطاها عبورش می‌دهند، دستش را می‌گیرند؛ ولایت فقیه این است.

این نیست که بگوییم ولی فقیه که مثل ابراهیم نیست، آن حد از عصمت را ندارد، پس او هم امام نیست! بله معلوم است که امام نیست، امام فقط امام زمان است. ولی فقیه تأیید امام را دارد، تأیید کلی امام را دارد.

بعد از پیغمبر، آنکه باید زمام امور را دست بگیرد، باید امام باشد و این ویژگی‌ها را داشته باشد، این‌طوری باشد. این حد از فداکاری فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) در خطبه فدکیه مدام به این مطلب تأکید می‌کند که یادتان بیاید چه کسانی فداکاری می‌کردند؟ چه کسانی جلوی دشمن بودند؟ چه کسانی کنج خانه‌شان نشستند؟ دیگر معلوم می‌شود.

جامعه نمی‌بیند، نمی‌فهمد. کار به کجا می‌کشد؟ بنا بود امام کسی باشد که سر بچه‌اش را به خاطر خدا ببرد. کار به اینجا رسید که کسی مثل یزید - که سر بچه پیغمبر را به خاطر ریاست برید - ادعای امامت کرد. از کجا به کجا کشیده شد! قرار بود سر بچه‌اش را به خاطر خدا ببرد، یزید به خاطر ریاست، سر بچه پیغمبر خدا را برید!

اگر از همان ابتدا، ظالم را پیدا نکردید تا اینجا می‌رود. این‌طور باید رسوا شود و معلوم شود که قضیه چیست. لذا امام حسین در میدان وقتی تیر به قلب مبارکش وارد شد، فرمود: این تیری نیست که بگویند حرمه انداخته است. این تیر را اولی و دومی انداختند.^{۲۰} این تیر سقیفه است، این ادامه

۲۰. و قال: هكذا أكون حتى ألقى جدِّي رسول الله صلى الله عليه وآله وأنا مخضوب بدمي وأقول: يا رسول الله قتلني فلان و فلان. (بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۷، ص ۲۹۶)
و اعلمان الحسين لم يقتل في يوم كربلاء و انما قتل في يوم السقيفة. (ابن الاثير الجزري، ضياء الدين، الوشي المرقوم في حل المنظوم، ج ۱، ص ۳۸۳).

فما رماه اذ رماه حرمه
و انما رماه من مهد له
سهم آتی من جانب السقيفة
و قوسه علی يد الخليفة



سلسله جلسات با موضوع برای امامت
فصل اول: رویاروی نا امامان - جلسه دوم

سقیفه است، ادامه آن ظلم است، این همان است. به حسب ظاهر جنایت آن‌ها آن قدر فاجعه‌آمیز نیست، این همان است. این ظلم جلو می‌رود.

حالا شما ببینید دختر پیغمبر یک جوری در میدان آمد، اول ظالم بودن این‌ها را افشا کند، مردم نفهمیدند و این ظالم بودن و مظلوم بودن مدام وسط میدان نمایان تر شد، عیان شد. این حجم از مظلومیت فاطمه زهرا در وسط میدان نمایان شد. رفتاری که با کسی که سوره کوثر در شأن او است، سوره هل اُتی در شأن او است. با چنین کسی این کار روا است؟ نه. با مسلمان روا است؟

شما بگویید برفرض، معاذ الله، فاطمه زهرا دروغ‌گو است. بالاتر از این که نداریم؟ کجا اگر کسی ادعای دروغ داشته باشد، با او این کار را می‌کنند؟ در کدام جامعه؟ در کدام دین؟

اصلاً دختر پیغمبر نباشد، یک زن مسلمان باشد. چه کسی اجازه دارد با یک زن مسلمان این طوری رفتار کند؟ کدام قانونی اجازه می‌دهد با یک زن مسلمان نه، با یک انسان این طوری برخورد کنند؟ امیرالمؤمنین فرمود: اگر در مملکت ما خلخال از پای دختر یهود کشیدند، مسلمان جا دارد از این مصیبت بمیرد که چرا به دختر یهودی تعرض کردند،^{۳۱} نه دختر رسول الله!

چون این ظلم را از همان نقطه اول مهار نکردند تا اینجا آمد. با دختر پیغمبر کاری کردند که تاریخ مثل این را با یک زن مسلمان ندیده است. در این خیابان‌های شما ارادل و او باش هم که باشند، عرق خور هم که باشند، وقتی به یک جا حمله کنند، بگویند خانمی در ماشین است، عقب می‌کشند. حمله هم کنند، وقتی بگویند این خانم باردار است، عقب می‌کشند. بگویند عزادار است، عقب می‌کشند؛ اما دل‌ها بسوزد برای فاطمه زهرا (سلام الله علیها)...

(غروی اصفهانی، محمدحسین، الانوار القدسیة، ص ۹۹).

۲۱. هَذَا أَخُو غَامِدٍ قَدْ وَرَدَتْ خَيْلُهُ الْأَنْبَارَ وَقَتَلَ حَسَّانَ بْنَ حَسَّانَ الْبَكْرِيَّ وَأَزَالَ خَيْلَكُمْ عَنْ مَسَالِحِهَا وَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْأُخْرَى الْمُعَاهَدَةَ فَيَنْتَزِعُ جِلْبَاهَا وَقَلْبَهَا وَقَلَائِدَهَا وَرِعَائِهَا مَا تُمْنَعُ مِنْهُ إِلَّا بِالِاسْتِزْجَاعِ وَالِاسْتِزْحَامِ ثُمَّ أَنْصَرَفُوا وَافْرِينَ مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلْمٌ وَلَا أَرِيْقَ لَهُ دَمٌ فَلَوْ أَنَّ أَمْرًا مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا بَلْ كَانَ عِنْدِي بِهِ جَدِيرًا (كلینی، کافی، ج ۵، ص ۵).